

دو فصل نامه علمی-تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۵ تا ۱۶

مصلحت یا افضلیت امام^۱

معصومه سعید^۲

چکیده

در دیدگاه شیعه افضلیت یکی از شروط امامت است. اما عده ای از متکلمان اشعری و معتزلی تقدیم مفضول بر افضل را برای توجیه کار صحابه در کنار زدن حضرت علی(ع) از خلافت، جایز دانسته و ضرورت امامت افضل را به شرط آنکه امامتش موجب فتنه و آشوب نگردد، را پذیرفته و مسئله مصلحت را مطرح کردند. ایشان برای اثبات مصلحت نبودن خلافت حضرت علی(ع) اموری مانند: جوانی حضرت، شوخ طبع بودن ایشان و... را مطرح کردند. در این نوشتار به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی این دو دیدگاه و نقد دیدگاه مصلحت پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: امامت، افضلیت، مصلحت، شیعه

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

^۲ - عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

مسئله جانشینی پیامبر(ص) یکی از موضوعات مهم و مورد اختلاف در عقاید اسلامی است و باعث به وجود آمدن دو مذهب شیعه و سنی گردیده است. اینکه بعد از رحلت پیامبر(ص) چه کسی باید وظایف ایشان را ادامه دهد؟

این مسئله جنبه های مختلفی دارد؛ یکی از آنها این است که آیا نصی در این زمینه وجود دارد یا نه؟ که شیعه قائل به نصب الهی و وجود نص است اما سنی معتقد به مردمی بودن این مسئله است. این موضوع بحث جداگانه ای می طلبد و ما به آن وارد نمی شویم.

دیگری اینکه شرایط و ویژگی های امام چیست. تحت این عنوان مورد زیادی مطرح می شود. یکی از آنها مسئله افضلیت است. آیا کسی که بر بقیه افراد برتری دارد باید عهده دار جانشینی پیامبر(ص) و ادامه دهنده وظایف ایشان باشد، یا اینکه شرایط مشخص می کند؟

این موضوع مهم والیه مورد اختلاف است. اختلاف مسلمانان در خصوص اوصاف لازم برای امام مسلمین و شرایط آن چنانکه شهرستانی نیز گفته است، بیشترین عامل نزاع های خونین اعتقادی در طول تاریخ اسلام بوده است. (الملل و النحل، ص ۱۳۰)

شرایط امامت و اوصاف امام

همانگونه که گفته شد امامت از دیدگاه شیعه منصب الهی است و امام علاوه بر عدالت، عصمت و علم لدنی باید از همه جهات از سایرین برتر باشد. اما در نگاه اهل سنت چنین نیست ایشان مقام امامت را با خلافت سیاسی یکی می-دانند و عصمت و علم لدنی برای امام لازم نمی-دانند. عموماً فقط آن مقدار از علم را واجب میدانستند که بتوانند در احکام شرعی اجتهاد کنند و از لحاظ تقوی نیز عادل بودن را کافی می دانستند. (الفرق، ص ۲۵۳)

متلکمان معتزلی صفت عدالت و علم را در حدی که بتواند به اقوال علما مراجعه و قول ضعیف از قوی را تمیز دهد برای امام قائل هستند (قاضی عبدالجبار، ج ۲۰، ص ۱۹۸)

باقلائی در مورد صفات امام شرایط زیر را قائل شده است:

۱- قرشی بودن

۲- داشتن علم، در حدی که بتواند قضاوت کند.

۳- شجاعت و قوت نفس برای اجرای حدود الهی

۴- عالم بودن به امور جنگ و تدبیر سپاهیان و حفاظت از مرزها، حفظ شوکت مسلمین و امثال آن

۵- افضلیت (علمی و تقوایی) به دیگران، مگر آنکه خوف فتنه و آشوب در انتخاب افضل باشد

۶- لزومی ندارد که امام از قبیله بنی هاشم یا معصوم و یا عالم به غیب باشد

(التمهید الاوائل، صص ۴۷۷-۴۷۱- اصول الدین ص ۲۹۱-مواقف، ص ۳۹۸- شرح مقاصد ج ۱، ص ۲۴۳)

ابو حنیفه گرچه عصمت را شرط لازم برای امام نمی‌داند اما معتقد است که به طور نسبی باید خلیفه مسلمین برترین فرد زمان خود باشد.

افضلیت

بحث پیرامون افضلیت امام با توجه به معانی مختلف و برداشت‌های گوناگون از «افضلیت» مبسوط می‌باشد (برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به مقاله افضلیت از دیدگاه فرق کلامی، علیرضا نجف زاده، مطالعات اسلامی، شماره ۸۴)

یکی از معانی افضلیت امام برتری علمی و تقوایی ایشان جامعه نسبت به دیگر مردمان است.

شیعه امامیه معتقد است که امام باید در دین، علم، کرم، شجاعت و همه فضایل نفسانی و جسمانی بر سایر مردم برتری داشته باشد کون الامام افضل من العلم و الدین و الکریم و الشجاعه و جمیع الفضائل النفسانیه و البدنیه چرا که تقدم مفضول بر فاضل عقلاً قبیح است (کشف المراد، ص ۹۲)

افضلیت حضرت علی (ع)

افضلیت حضرت علی (ع) نسبت به افراد دیگر را همه فرق اسلامی می‌پذیرند حتی آنان که جانشین حضرت را نپذیرفتند در افضلیت حرفی نداشتند تا جایی که برخی از ایشان روایات پیامبر (ص) یا خود حضرت علی (ع) را که اثبات کننده اصل نصب است، این گونه توجیه کرده‌اند که پیامبر (ص) با این حدیث‌ها و بیان فضایل امام علی (ع) در امر امامت در مقام تعیین و انتخاب خلیفه خود به صورت قطعی و در قالب یک دستور دینی نبوده است بلکه در پی معرفی برتری حضرت علی (ع) به امر امامت از دیگر اشخاص بوده است. ابن ابی الحدید این توجیه را به معتزله بغداد نسبت می‌دهد. این توجیه را بهترین مذهب و دیدگاه مختار خود معرفی می‌کند (ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۳۹۶).

بنابراین اهل سنت در ابتدا بر افضلیت حضرت علی (ع) بر سایرین اذعان داشتند، اما بعدها موضوع افضل بودن خلیفه نخست بر خلیفه دوم و خلیفه دوم بر خلیفه بعدی را مطرح کردند. (الابانه، ص ۹۱) هرچند در منابع اهل سنت این جمله از ابوبکر معروف است که گفت: «انی ولیتُ علیکم و لستُ بخیرکم فان استقمتمُ فاتبعونی وان زغت فقومونی». (تمهید الاوائل، ص ۴۹۳- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۳۳۷- تاریخ یعقوبی، ص ۱۲۷) من ولی شما شدم در حالی که بهترین شما نیستم پس اگر در مسیر درست گام برداشتم از من اطاعت کنید و اگر در خطا افتادم اصلاح کنید.»

تقدم مفضول بر فاضل

شیعه امامیه معتقد به تقدم فاضل بر مفضول است. به برخی ادله ایشان اشاره مشود. اما شیعیان زیدیه و عموم معتزله بغداد، امامت مفضول را با وجود فاضل روا می‌دانستند (الملل و النحل، ص ۱۳۸- شرح نهج‌البلاغه، ص ۳) و امامت غیر مجتهد را نیز قبول داشتند، مشروط بر اینکه کسی از اهل اجتهاد در دسترس باشد تا امام از او در امور حرام و حلال فتوی بگیرد (الملل و النحل، ص ۱۴۳)

عقیده عمومی مرجئه این بوده که اگر مفضول به جای فاضل به امامت برگزیده شود، بر علمای امت لازم است که پس از نهی انتخاب کنندگان و سود نبخشیدن نهی، برای به قدرت رساندن

فاضل جهاد کنند (دایرة المعارف الاسلامی، ج ۵، ص ۳۸۳). از این رو برخی از بزرگان مرجئه در جهاد علیه خلفای اموی و عباسی به شهادت رسیده‌اند. براساس این اعتقاد ابوحنیفه، از قیام زید بن علی و ابراهیم بن عبدالله حسنی بر ضد هشام، خلیفه اموی و منصور عباسی حمایت کرد و این حمایت‌ها موجب شد که به دستور مروان بن محمد اموی او را تازیانه بزنند و به دستور منصور عباسی به زندان افکنند و سرانجام او را در زندان مسموم کنند (کشاف، ج ۱، ذیل آیه ۱۲۴ بقره)

برخی ادله شیعه بر افضلیت امام

از جمله دلایل بر اثبات این معنای از افضلیت امام "امام در هر امری که در آن پیشوای دیگران است باید افضل باشد":

۱- تقدیم مفضول بر فاضل قبیح است (حلی، ص ۳۹۲- سید مرتضی، ج ۲ ص ۴۲- شیخ طوسی، ص ۱۹)

۲- امام جانشین پیامبر (ص) است پیامبر افضل امت است پس امامی که می‌خواهد در مسند خلافت قرار گیرد باید مثل پیامبر شایسته‌ترین باشد (تفتازانی، ج ۵، ص ۲۴۶)

۳- امام واجب اطاعه است. از طرفی مردم حاضر نیستند از کسی که از آنها پایین تر است اطاعت کنند (همان)

۴- استشهاد به آیات و روایات:

الف) آیاتی چون آیه ۳۵ سوره یونس «افمن یهدی الی الحی أحقُّ أن یُتَّبَعَ أمَّن لا یُهدی إلا أن یُهدی ما لکم کیف تحکمون»

آیا کسی که به حق هدایت می‌کند سزاوارتر است که تبعیت شود یا کسی که هدایت نمی‌کند یابد مگر آن‌که او را هدایت کنند، پس شما را چه شد، و چگونه داوری می‌کنید؟

آیه ۹ سوره زمر «قل هل ستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند.

ب) روایاتی از پیامبر (ص) مانند «من تقدّم علی قوم من المسلمین، یری أنّ فهم من هو افضل منه فقد خال الله و رسوله و المسلمین» یا «یومّ القوم افضلهم»

مصلحت

همانگونه که بیان شد افضلیت امام علی (ع) مورد پذیرش حتی مخالفان حضرت بود. و روایات نصب حضرت را هم روایات افضلیت می دانند. که رای معتزله این بود. برخی معاصران نیز به این رأی معتزله گراییده‌اند. طرفداران این دیدگاه برای اثبات نظریه خود به نصوص حضرت علی (ع)، تمسک کرده‌اند که در آنها حضرت به احقیت خود برای حکومت تأکید و تصریح داشته است (قلمداران، ص ۹۵ و ۹۶، قبانچی، ص ۱۳۶)

اینکه از روایات افضلیت، عدم نصب را نتیجه گرفتند اشتباهی که است پاسخ آن در این مقال نمی‌گنجد فقط اشاره به این نکته لازم است که نص و نصب هیچ منافاتی با افضلیت ندارد.

اما آنچه اینجا مدنظر ماست این است که با اینکه افضلیت را پذیرفته‌اند چرا افضل را کنار زده‌اند؟ و چه توجیه‌هایی برای این کار خود داشتند؟ در پاسخ مسئله «مصلحت» را مطرح کرده‌اند.

خلیفه دوم و طرفدارانش مانند ابو عبیده بن جراح در زمان انتخاب خلیفه اول و نیز بعدها برای دفاع از اقدام سیاسی خود به توجیه حذف علی (ع) از صحنه حکومت پرداختند که پایه دیدگاه مصلحت شد.

برخی ادله مصلحت گرایان و نقد آنها:

از جمله دلایل آنها برای این کار عبارت بود از:

۱- جوانی حضرت علی (ع):

ابو عبیده جراح زمانی که حضرت علی را برای بیعت به مسجد آوردند خطاب به حضرت گفت: ای ابوالحسن تو کم سن هستی و اینها مشایخ قوم تو هستند و تو همانند آنها شناخت و تجربه

نداری پس با ابوبکر بیعت کن و اگر عمرت باقی باشد به خاطر فضل و دینداری و علم و فهم و سابقه قرابت سزاوار به این امر هستی. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶ ص ۱۲- ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱۳) در نقد آن باید گفت: اولاً ملاک، شایستگی و برخورداری از کمالات لازم است و به اعتراف همگان، آن حضرت از چنین شخصیتی برخوردار بود.

ثانیاً چنین اشکالی -العیاذ بالله- بر پیامبر (ص) برمی‌گردد که چرا آن حضرت فرد جوانی را به حکومت برگزید. افزون بر آن اشکال دیگر بر پیامبر (ص) وارد می‌شود که چرا ایشان در آخرین روزهای عمر شریف خود، جوانی ۱۸ ساله به نام اسامه را به عنوان فرمانده لشکر اسلام انتخاب نمود. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۴۶ و ج ۶ ص ۴۵- ابن عساکر، ج ۲، ص ۳۲۹)

۲- اهل مزاح بودن حضرت:

اگر مقصود از آن، مزاح‌های افراطی باشد که با واقعیت‌ها همخوانی ندارد. پیامبر (ص) در پاسخ به شکایت برخی از علی (ع) می‌فرمود: علی در انجام دادن فرایض دینی خشن و قاطع است. (ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۶۹-۳۶۸)

خود حضرت علی (ع) نیز آن را تکذیب فرموده است. (نهج البلاغه، خطبه ۸۳ و ۸۴)

اساساً چر عمر حضرت را جزء ۶ نفر برای خلافت پس از خود قرار داد: اگر ویژگی اهل مزاح بودن مانع حکومت وی بود؟ چرا عمر حضرت را در معرض حکومت تعیین کرد؟ ابن ابی الحدید نیز چنین نسبتی را تکذیب کرده است. (شرح نهج البلاغه، ج ۶ ص ۳۲۹ و ۳۲۸۹)

۳- کراهت جمع نبوت و امامت در یک خاندان:

برپا کنندگان جریان سقیفه که در عمل علی (ع) را از صحنه حکومت و خلافت حذف کردند برای توجیه اقدام خود و به اصطلاح برای مشروعیت بخشی به حکومت خود به جعل حدیث از پیامبر (ص) پرداختند ابوبکر ادعا کرد که پیامبر فرموده است پس از من حکومت و نبوت در یک خاندان جمع نمی‌شود و چون علی از خاندان اهل بیت اصطفانا الله و اکرمنا و اختار لنا الآخره علی دنیا و این الله لم یکن لیجمع لنا اهل البیت النبوه و الخلافه» (سلیم بن قیس، ص ۱۵۳)

ما اهل بیت را خداوند برگزیده و ما را گرامی داشته و بر ما آخرت را به جای دنیا اختیار نموده است همانا خداوند نخواستہ در اهل بیت ما نبوت و خلافت را جمع کند. بر این مطلب در توجیه و انحراف اذهان صحابه از حضرت علی (ع) به سوی ابوبکر، برخی از عالمان با انصاف اهل سنت نیز اذعان داشته‌اند؛ چنان‌که نقیب ابو جعفر ابوزید در پاسخ ابن ابی الحدید درباره چرایی عمل نکردن صحابه به نصوص امامت حضرت علی (ع) حدیث ادعایی ابوبکر را مطرح می‌کند (ابن ابی الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۶ و ۸۸)

در صورتی که برای اثبات جعلی بودن این حدیث ادله زیادی وجود دارد: از جمله ادعا نشدن این در زمان پیامبر (ص) و مطرح شدن آن اولین بار توسط ابوبکر و تأیید آن توسط طراحان سقیفه و تکذیب آن توسط بسیاری صحابی دیگر و در رأس آنان خود حضرت علی (ع) و ...

بنابراین دیدگاه مصلحت جز بهانه ای برای توجیه غضب حق حضرت چیز دیگری نبود.

چنانکه حضرت علی (ع) پیشوای شیعه در خطبه معروف شقشقیه می‌فرماید:

«أما والله لقد نَقَمَصَها ابن ابی قحافه و أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي فِيهَا مَحَلُّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْجَدُرُ عَنِّي السَّيْلُ وَ لَا يَرْقَى إِلَى الطَّيْرِ».

«به خدا سوگند که پسر ابو قحافه خلافت را مانند پیراهن به تن کرد در حالی که می‌دانست که آن محوری که این دستگاه باید بر گرد آن بچرخد من هستم، سرچشمه علم و فضیلت از کوهسار شخص من سرازیر می‌شود و شاهباز و هم اندیشه‌ی بشر از رسیدن به قله عظمت من باز می‌ماند (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)

و در خطبه ۱۷۳ می‌فرماید: " يا ايها الناس احق الناس بهذا الامر اقواهم عليهم و اعلمهم بامر الله فيه "

ای مردم سزاوارترین مردم به امر خلافت توانمندترین مردم به آن و آگاهترین فرد به امر الهی در این زمینه است.

نتیجه گیری

امامان در نگاه شیعه علاوه بر حفظ و تبیین دین، دارای قدرت وضع احکام هستند. آنان واسطه فیض و باب شناخت خداوندند (نهج البلاغه، خطبه ۵۴- اصول کافی ج ۲، ص ۲۵۲)

روح آنان ازلی است. (اصول کافی، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۹۱). خداوند جهان را به خاطر محمد (ص) و امامان برخاسته از خاندان او آفریده است (الاعتقادات، ص ۹۲، بحار الانوار ج ۷، بخش ۲۸ و ۲۳) و چنان که علامه حلی (م ۷۲۶ هـ) از بزرگان شیعه گفته است: «الامامه ریاسه عامه فی امور الدین و الدنیا لِشخصٍ من الاشخاص نیابه عن النبی» امامت ریاست عام فردی از افراد به نیابت از پیامبر (ص) در امور دنیوی و دینی مردم است (شرح باب حادی عشر، صص ۲۱۶-۲۱۵) پس باید امام نسبت به سایر افراد در همه امور برتر باشد.

با توجه به مباحث مطرح شده می توان نتیجه گرفت: نظریه افضلیت صحیح و قابل دفاع می باشد. ادله نقلی و عقلی بر اثبات این دیدگاه وجود دارد. در مقابل نظریه مصلحت با همه توجیه های آن مردود و قابل نقد است.

منابع:

- ١- قرآن
- ٢- نهج البلاغه
- ٣- ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، بيروت، دار احيا التراث العربى، ١٣٨٧ق
- ٤- ابن عساکر، تاريخ مدينه دمشق، بيروت، دارالفکر، ١٤٢١ق
- ٥- ابن كثير، البدايه و النهايه، بيروت، دارالمعرفه، ١٤١٩ق
- ٦- الاشعري، ابوالحسن، على بن اسماعيل، الابانه، مع تعليقات عبدالله محمود محمد عمر، بيروت، دارالكتب العلميه، الطبعة الاولى، ١٤١٨ق
- ٧- يحيى، قاضى عبدالرحمن بن احمد، المواقف فى علم الكلام، بيروت، عالم الكتب، بى تا
- ٨- الباقلانى، القاضى ابوبكر محمد بن الطيب، تمهيد الاوائل و تلخيص الدلائل، تحقيق عماد الدين احمد حيد، بيروت، موسسه الكتب الثقافيه، الطبعة الثالثه، ١٤١٤ق
- ٩- بغدادى، ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر، اصول الدين، استانبول، دار الفنون، ١٣٤٦ق
- ١٠-..... الفرق بين الفرق، ترجمه محمد جواد مشكور، انتشارات اشراقى، ١٣٦٧
- ١١- پاكتنجى، احمد، مقاله ابوحنيفه، دايره المعارف بزرگ اسلامى، انتشارات مركز دايره المعارف بزرگ اسلامى، ج ٥، چاپ اول، ١٣٧٢
- ١٢- تفتازانى، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، تحقيق عبد الرحمن عميره، قم، منشورات شريف رضى، بى تا
- ١٣- حلى، حسن بن يوسف بن مظهر، باب حادى عشر با شرح فاضل مقداد (موسوم به النافع يوم الحشر)، ترجمه شهرستانى، تحقيق محمود افتخارزاده، چاپ اول، انتشارات علامه، ١٣٧٢
- ١٤-..... كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد، بيروت، موسسه اعلمى، ١٣٩٩ق

- ۱۵- الزمخشری، جلاله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۷ق
- ۱۶- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس با تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۱
- ۱۷- سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق سید احمد حسین، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق
- ۱۸- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن احمد، الملل و النحل، تحقیق محمد بن فتح الله بدران، مکتبه الانجل المصریه
- ۱۹- صدوق، الاعتقادات، تحقیق عصام عبد السید، قم، المؤتمر العالمی الالفیه الشیخ المفید، ۱۳۷۱
- ۲۰- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت، موسسه الاعلمی
- ۲۱- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران، کتابخانه چهلستون، ۱۴۰۰ق
- ۲۲- قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، عبدالجبار بن احمد، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، تحقیق محمود محمد قاسم، مصر، الدار المصریه للتالیف و الترجمه، ۱۳۵۸ق
- ۲۳- قبانچی، احمد، خالفه الامام علی بالنص ام بالنصب، منشور سیدی، ۲۰۰۴م
- ۲۴- قلمداران، حیدر علی، حکومت در اسلام، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۵ق
- ۲۵- الکلینی، الرازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات مسجد چهارده معصوم (ع)
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه موسی خسروی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۳
- ۲۷- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، دارالبیروت للطباعه و النشر، ۱۴۰۰ق